

مفهوم پردازی مسئولیت پذیری اجتماعی: از اخلاق تا کنشگری در دوران مدرن^۱

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۵، شماره دو: ۶۹۱-۷۱۸

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمابه در ISC

آرمین امیر^۲

استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

خدیجه سفیری

استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء

پذیرش ۹۶/۱۲/۷

دریافت ۹۶/۷/۲۲

چکیده

مشکلات عملی زیادی در کاربرد عمومی اصطلاح مسئولیت اجتماعی وجود دارد و این مسئله از سطح مفهومی نشأت می‌گیرد که دچار تناقض‌های زیادی است. هدف این مطالعه واکاوی و مفهوم-پردازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی به منظور سنجش دقیق‌تر است. بدین منظور تحقیقات و مطالعاتی که در ایران در این حیطه انجام شده است با روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعات که اساساً با روش پیمایش صورت گرفته است نشان از تناقض‌هایی دارد. استدلال محکمی که می‌توان برای این مسئله اشاره کرد عدم تطابق نتایج پیمایش‌های مسئولیت‌پذیری و واقعیت‌های انضمامی در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. مصداق‌های فراوانی در این خصوص وجود دارد رشد خصوصیات اخلاقی منفی، عدم کنشگری در مشکلات و مسائل، وضعیت نابسامان و ناامیدکننده محیط زیست در ایران و ... نمونه‌هایی از این موضوع هستند. اخلاق، نقطه اتصال مسئولیت‌پذیری به جامعه مدرن است. جامعه‌ای که به شدت در ورطه مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری فروغلطیده است و این فرآیند در طی مسیر خود، انسان‌هایی بی‌تفاوت، غیرمسئول و خودمدار تربیت کرده است. اگر مسئله اخلاق را در موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقطه کانونی در نظر بگیریم به زعم لویناس و باومن خواهیم توانست تا محرک‌های جامعه مدرن را درک و برای آن چاره‌جویی کنیم. اخلاق از طریق سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و نهادهای اجتماعی و مدنی در جامعه عمل می‌کند به طوریکه وضعیت اقتصادی در جامعه در کنش اخلاقی افراد تاثیر می‌گذارد و از طریق

^۱ این مقاله از طرح پسادکتر با موضوع «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» استخراج شده که با حمایت دانشگاه الزهراء و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام شده است.

^۲ پست الکترونیکی نویسنده مسئول: armin.amir@atu.ac.ir

همین کنش‌ها به پیرامون خود حساس شده و متعهدانه به پیگیری و حل آن دست می‌زنند. شکل‌گیری اخلاق و مولفه‌های آن نزد افراد، از ارتباط چندوجهی بین الزامات زندگی مدرن، بازنمایی مسائل اجتماعی و اخلاقی از طریق رسانه‌ها و ... و نیز عملکرد باثبات و صحیح نهادهای جامعه برخوردار است. انقطاع تجربه در دنیای جدید با پیچیدگی‌های خاص خود، اجازه شکل‌گیری تفکر درباره وضعیت‌های ناگوار و کنشگری علیه شرایط تاریخی جاگیر شده در جامعه مدرن را نمی‌دهد. حال، اگر این فرد دارای این ظرفیت باشد امکان اقدام‌های درمان‌بخش فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق، کنشگری، جامعه مدرن.

مقدمه و طرح مسئله

مسئولیت اجتماعی از منظرهای مختلفی مورد فهم و کاربست قرار گرفته است و در بسیار از موارد متفاوت از همدیگر و در نتیجه یافته‌های متفاوتی در پی داشته است. برخی آن را زمینه-محور می‌دانند و اعتقاد دارند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بسته به شرایط و زمان خاص، معنای خاصی پیدا می‌کند و بایستی در زمینه و شرایط ویژه آن زمینه به آن پرداخت به عنوان مثال مسئولیت اجتماعی در بین اقشار مختلف و مشاغل مختلف، معناهای متفاوت دارد و بنابراین رفتارها و اعمال خاص خود را ایجاب می‌کند. مطالعات انجام شده در ایران در این حوزه و نتایج و یافته‌های آنها، مویده این مسئله است. واقعیت این است که این موضوع باعث شده تا مفهوم-پردازی یکپارچه و دقیقی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود نداشته باشد. در ادامه بحث تلاش می‌کنیم تا به این مجادله مفهومی پاسخ دهیم.

در بیشتر پژوهش‌هایی که در ایران روی مسئولیت‌پذیری انجام شده است مراد از مسئولیت-پذیری یا مسئولیت در قبال خود بوده است، یا مسئولیت حرفه‌ای. مثلاً تحقیقات بسیاری، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و دانشجویان را در این معنا که ایشان تا چه حد در انجام وظایف آموزشی و شاگردی خود مسئولیت نشان می‌دهند سنجیده‌اند. تحقیقات زیاد دیگری نیز مسئولیت‌پذیری کارمندان مشاغل مختلف را در حوزه کاری خود سنجیده‌اند. امینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان، با روش توصیفی-پیمایشی به بررسی مسئولیت‌پذیری دانشجویان پرداخته‌اند. مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در قالب هفت مؤلفه اصلی خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانتداری، وظیفه‌شناسی، سازمانیافتگی و پیشرفت‌گرایی سنجیده شده‌است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که

میانگین هر یک از مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در میان دانشجویان بالاتر از حد متوسط است. بالاترین میانگین، مربوط به مؤلفه امانتداری و پایبندترین میانگین مربوط به مؤلفه سازمانیافتگی است. در یک نتیجه‌گیری کلی دانشجویان تمایل دارند هر کاری را به بهترین نحو انجام دهند و به موقع تمام کنند؛ به قوانین دانشگاه پایبند و متعهدند؛ خود را در حفظ اموال عمومی دانشگاه مسئول می‌دانند. همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین اشکال سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، باید برای آموزش و تقویت مهارت‌ها و قابلیت‌های اجتماعی و از جمله مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های فردی و اجتماعی تلاش کنند. رسولی نژاد و دیگران (۱۳۹۳) رابطه معنویت را با تعهد و احساس مسئولیت در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام‌نور دامغان که در سال ۱۳۹۱ در آن دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند را سنجیده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از این است که بین معنویت با تعهد و مسئولیت‌پذیری دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد، به این ترتیب که افرادی که دارای معنویت بالاتری هستند از میزان تعهد و احساس مسئولیت بیشتری برخوردارند. در این تحقیق مسئولیت‌پذیری به احساس مسئولیت در قبال دیگران تعبیر شده است. ایزدی و عزیزی شمامی (۱۳۸۸) در پژوهشی روی دانشجویان دانشگاه مازندران، میزان دانش شهروندی و همچنین مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان این دانشگاه را سنجیده‌اند. محققان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی دیده‌اند و این تعریف را از مسئولیت‌پذیری اجتماعی پذیرفته‌اند: مسئولیت‌پذیری اجتماعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید نسبت به سایرین است که نتیجه آن نوعی احساس تعهد و پایبندی به سایرین و تبعیت از قواع و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار شکل می‌گیرد. از نتایج تحقیق چنین برمی‌آید که میزان مسئولیت‌پذیری پاسخگویان، در حد متوسط و بالاتر از متوسط بوده است و همچنین بین دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی همبستگی وجود دارد. جوکار و دیگران (۱۳۹۳) تلاش کرده‌اند رابطه سبک‌های هویت را با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دانشجویان دانشگاه شیراز بسنجند. محققان مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به دو مقوله فعال و منفعل تقسیم کرده‌اند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی فعال، شکلی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که فرد خود را به طور مستقیم با اجتماع درگیر می‌داند و مسئول می‌پندارد. مسئولیت‌پذیری منفعل، شکلی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که فرد با تفویض

وظایف خود به دولت یا نهادهای عمومی، خود را از پذیرش مسئولیت مبرا می‌داند. در تحقیقی دیگر طالبی و خوش‌بین (۱۳۹۱) به بررسی مسئولیت‌پذیری جوانان شهر همدان پرداخته‌اند. چارچوب نظری این تحقیق با رویکرد تلفیقی و با استفاده از نظریه‌های وبر، دورکیم، پارسونز و بوردیو تدوین شده است. روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده است. یافته‌ها تحقیق نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان شهر همدان در مجموع متوسط می‌باشد. میزان مسئولیت‌پذیری جوانان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. کمترین مسئولیت‌پذیری جوانان در بعد سیاسی است. همچنین میان سطوح احساسی و رفتاری مسئولیت‌پذیری نیز تفاوت وجود دارد. در پژوهشی تحت عنوان بررسی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان بندرعباس و عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر آن توسط نیکخواه و جهانشاهی‌فرد (۱۳۹۳) انجام شده است. چهارچوب نظری پژوهش با استفاده از نظریه‌های دورکیم، پارسونز، بوردیو، پاتنام و زتومکا تدوین شده است. نیکخواه و جهانشاهی‌فرد با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته و به روش پیمایش به بررسی شهروندان بالا ۱۸ سال شهر بندرعباس پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی مردم شهر بندرعباس در مجموع بالاتر از حد متوسط می‌باشد. میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی متفاوت است. در این پژوهش پایین‌ترین سطح مسئولیت‌پذیری شهروندان بندرعباسی در بعد سیاسی است و تجزیه و تحلیل اطلاعات وجود رابطه معناداری میان عام‌گرایی، اعتماد اجتماعی، دینداری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تأیید کرده است. ایمان و جلائی‌لان‌بخشنده (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر شیراز می‌پردازد. آن‌ها بیان می‌کنند که رشد مسئولیت اجتماعی و التزام به آن موضوعی است که بیشتر از مقوله‌های شناختی مورد توجه قرار گرفته است و ضرورت آن حتی در جوامع غربی و صنعتی پس از یک دوره رکود آشکار شده است. مسئولیت اجتماعی بخشی از مسأله اجتماعی-شدن است. مهمترین عوامل اجتماعی شدن را می‌توان فرهنگ، خانواده و نهادهای اجتماعی دانست. مسئولیت اجتماعی مهارتی است که باعث بروز رفتارهایی می‌شوند که مورد ارزش-گذاری قرار می‌گیرند. این مهارت‌ها می‌توانند در روابط با دیگران نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی بوجود آورند و منجر به احساس رضایت فردی و گروهی شوند و در صورت عدم رعایت آن

می‌تواند اعتماد بین انسانها را کم‌رنگ نموده و باعث از بین رفتن روحیه همکاری و تعاون در بین افراد شود. داده‌های پژوهش با استفاده از روش پیمایش و از طریق پرسشنامه ساختار یافته برای 386 نفر که بطور تصادفی انتخاب شدند، گردآوری شده است. در جدول زیر مفهوم‌پردازی و ادراک و برداشت‌های متفاوت از مسئولیت اجتماعی و روشهای سنجش آن به طور خلاصه مورد اشاره قرار گرفته است.

جدول ۱: مفهوم‌پردازی و ادراک و برداشت‌های متفاوت از مسئولیت اجتماعی و روشهای سنجش

موضوع تحقیق	تعریف و مفهوم‌پردازی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی	محقق	سال تحقیق	روش بررسی
ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان	مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری در قالب هفت مؤلفه اصلی خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانتداری، وظیفه‌شناسی، سازمانیافتگی و پیشرفت‌گرایی سنجیده شده‌است	امینی و همکاران	۱۳۹۲	پیمایش
رابطه معنویت با تعهد و احساس مسئولیت در بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام‌نور دامغان	در این تحقیق مسئولیت‌پذیری به احساس مسئولیت در قبال دیگران تعبیر شده است	رسولی نژاد و همکاران	۱۳۹۱	پیمایش
میزان دانش شهروندی و همچنین مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان دانشگاه مازندران	مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در سه بُعد شناختی، عاطفی و عملکردی دیده‌اند و این تعریف را از مسئولیت‌پذیری اجتماعی پذیرفته‌اند: مسئولیت‌پذیری اجتماعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید نسبت به سایرین است که نتیجه آن نوعی احساس تعهد و پایبندی به سایرین و تبعیت از قواع و معیارهای اجتماعی و درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار شکل می‌گیرد	ایزدی و عزیزی شمایی	۱۳۸۸	پیمایش

ادامه جدول ۱: مفهوم‌پردازی و ادراک و برداشت‌های متفاوت از مسئولیت اجتماعی و روشهای سنجش

روش بررسی	سال تحقیق	محقق	تعریف و مفهوم‌پردازی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی	موضوع تحقیق
پیمایش	۱۳۹۳	جوکار و دیگران	مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به دو مقولهٔ فعال و منفعل تقسیم کرده‌اند. مسئولیت-پذیری اجتماعی فعال، شکلی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که فرد خود را به طور مستقیم با اجتماع درگیر می‌داند و مسئول می‌پندارد. مسئولیت-پذیری منفعل، شکلی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که فرد با تفویض وظایف خود به دولت یا نهادهای عمومی، خود را از پذیرش مسئولیت مبرا می‌داند.	رابطهٔ سبک‌های هویت با مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دانشجویان دانشگاه شیراز
پیمایش	۱۳۹۱	طالبی و خوش‌بین	مسئولیت‌پذیری را دارای چهار بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند.	بررسی مسئولیت‌پذیری جوانان شهر همدان
پیمایش	۱۳۹۳	نیکخواه و جهانشاهی فرد	مسئولیت‌پذیری را دارای پنج بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در نظر گرفته‌اند.	بررسی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان بندرعباس و عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر آن
پیمایش	۱۳۸۹	ایمان و جلائیلان بخشنده	مسئولیت اجتماعی بخشی از مساله اجتماعی شدن است. مهمترین عوامل اجتماعی شدن را میتوان فرهنگ، خانواده و نهادهای اجتماعی دانست. مسئولیت اجتماعی مهارتی است که باعث بروز رفتارهایی میشوند که مورد ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. این مهارتها میتوانند در روابط با دیگران نتایج مثبت و موفقیت آمیزی بوجود آورند و منجر به احساس رضایت فردی و گروهی شوند و در صورت عدم رعایت آن می‌تواند اعتماد بین انسانها را کم رنگ نموده و باعث از بین رفتن روحیه همکاری و تعاون در بین افراد شود.	بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر شیراز

مطالعات مورد اشاره به بررسی و واکاوی زوایای مختلف مسئولیت‌پذیری در ایران پرداخته است. یافته‌های این مطالعات که اساساً با روش پیمایش صورت گرفته است نشان از تناقض‌هایی دارد که ایجاب می‌کند دقیق‌تر به این موضوع پرداخته شود. در برخی موارد ثابت شده است که افراد در برخی مولفه‌ها دارای مسئولیت‌پذیری بالایی هستند و نشان دادند که مسائل پیرامون برایشان از اهمیت زیادی برخوردار است ولی در برخی موارد خلاف این ثابت شده است. این مسئله از دو زاویه قابل بررسی است: یکی اینکه بحث بر سر مفهوم‌شناسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که دچار کمبود و یا مفهوم‌پردازی غیردقیق در این حوزه با توجه به زمینه زندگی و تاریخی است. دوم اینکه روش سنجش (عموماً پیمایش) به گونه‌ای است که نتایج قابل قبولی از فهم میزان و نوع مسئولیت‌پذیری ارائه نمی‌دهد. استدلال محکمی که می‌توان برای این مسئله اشاره کرد عدم تطابق نتایج پیمایش‌های مسئولیت‌پذیری و واقعیت‌های انضمامی در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. مصداق‌های فراوانی در این خصوص وجود دارد رشد خصوصیات اخلاقی منفی، عدم کنشگری در مشکلات و مسائل، وضعیت نابسامان و ناامیدکننده محیط زیست در ایران و ... نمونه‌هایی از این موضوع هستند.

نبود مفهوم‌پردازی دقیق از مسئولیت‌پردازی اجتماعی، ناهمخوانی آمارها و اطلاعات واقعیت‌های جامعه با نتایج پیمایشها مبنی بر وجود مسئولیت‌پذیری در بین افراد (مخصوصاً دانشجویان) و نیز نبود پرسشنامه استاندارد برای سنجش این مفهوم و مولفه‌های ایجاب می‌کند که روشهای مکمل برای سنجش آن مورد استفاده قرار گیرد. از روش آزمایش و شبیه‌سازی در نقاط مختلف دنیا برای این منظور استفاده شده است تا رفتار افراد را در موقعیت‌های واقعی با ذهنیات و گفته‌های آنها در خصوص مسئولیت‌پذیری تطبیق دهند. به نظر می‌رسد روش شبیه‌سازی موقعیت‌های موردنظر برای اقدام مسئولانه در آن، از شیوه‌های مطمئن و مکمل برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

در این مقاله سعی خواهیم کرد خلا مفهوم‌سازی و طراحی چهارچوب مفهومی و سنجشی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را پوشش دهیم.

برای این که جوامع واقعاً مسئولانه عمل کنند، تقید سازمان‌ها و شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی کافی نیست. باید همه ما، فردی و جمعی، در راستای مسئولیت اجتماعی تلاش کنیم و، در یک جمله، شهروندانی مسئول برای اجتماع باشیم. به بیان دیگر، ما به عنوان موجودیت‌های

انسانی نقش‌ها و عملکردهایی در حوزه‌های مختلف زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای خود انجام می‌دهیم و نهایتاً رفتار ما بسته به باورها و ارزش‌های ما است. فردی که به‌لحاظ اجتماعی مسئولیت‌پذیر است، در قبال خودش و دیگران به شیوه‌ای اخلاقی رفتار می‌کند و تأثیر تصمیمات و کنش‌هایش بر روی محیط‌اش در نظر می‌گیرد. این محیط شامل خانواده، همسایگان، محل کار، نسل‌های فعلی و آینده، منابع طبیعی، و سیاره زمین است. بنابراین، مسئولیت اجتماعی فرد، نگرشی فراتر از صرف احترام به قوانین و قواعد است. این نگرش، که با احترام، همدلی، صداقت، عزت نفس و دیگر ارزش‌ها درآمیخته است نگرشی جامعه را شکل می‌دهد و منبعی است برای آگاهی مستمر اجتماعی که نیت‌های نیک را به اعمال نیک تبدیل می‌کند.

ادبیات مسئولیت‌پذیری

مسئولیت اجتماعی از دهه ۱۹۵۰ با بحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به شکلی جدی آغاز شد. منظور از مسئولیت اجتماعی شرکتی که ادبیاتی غنی و مفصل در حوزه علوم سیاسی، علوم اجتماعی و مدیریت و اقتصاد دارد، سبکی تازه از مدیریت در شرکت‌های تولیدی و خدماتی است که با در نظر گرفتن اخلاق به مفاهیمی چون توسعه پایدار اجتماعی، حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و احترام به تنوع می‌اندیشد و می‌کوشد تا مسائل اجتماعی ناشی از پروژه‌های توسعه را کاهش دهد. مباحث مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها به تدریج گسترش یافت و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و نهادهایی چون دولت و دانشگاه را نیز در بر گرفت تا بالاخره به مسئولیت‌های اجتماعی افراد نیز رسید. امروز حتی در تعاریفی از مسئولیت که در منابع مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارایه می‌شود نیز پا را از شرکت‌ها فراتر گذاشته و این تعریف را شامل اجتماع و افراد نیز می‌دانند، از جمله دوک‌وُرت و مور (2010).

مارتین (2007) پیمایشی درباره فلسفه مسئولیت انجام داده و در آن، ارتباط بین مسئولیت و نظام‌های اجتماعی - فنی را سنجیده است. وی تنوعات مفهومی مسئولیت را چنین برمی‌شمارد:

۱- مسئولیت به مثابه وظیفه، تعهد، شغل و تکلیف (منشی جلسه موظف به ثبت صورتجلسات است).

۲- مسئول کسی یا چیزی بودن (پدر و مادر مسئول فرزندشان هستند، یک کارمند مسئول وسایل مورد استفاده‌اش است).

۳- عهده‌داری مسئولیت یک اتفاق (وزیر، مسئول اتفاقات رخ داده در حوزه وزارت‌اش است).

۴- رفتار مسئولانه. در این برداشت، در هنگام تصمیم‌گیری درباره تحقیق یا عدم تحقق رفتار مسئولانه، اهداف حاصله مرتبط با آن مسئولیت در نظر گرفته می‌شوند.

سرتو (۲۰۰۷) مسئولیت‌پذیری را الزام و تعهدی درونی برای انجام همه فعالیت‌هایی تعریف می‌کند که بر عهده فرد گذاشته شده است. در واقع مسئولیت‌پذیری اساسی‌ترین شیوه جهت‌دهی به فعالیت افراد در سازمان است زیرا از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و یک تعهد درونی برای انجام کارها به نحو مطلوب و با حداکثر توانایی است (مارکمن و تتلوک، ۲۰۰۸). مسئولیت اجتماعی یک استراتژی مقابله‌ای برای پاسخگویی به نگرانی‌های اجتماعی، زیست محیطی و توسعه پایدار است (هیدگر، ۲۰۱۰).

کلمز و بینز (۱۹۸۳) معتقدند مسئولیت به لحاظ لغوی به معنی توانایی پاسخ دادن و در عرف، به معنای تصمیم‌گیری مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم‌گیری مناسب، آن است که شخص در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخاب بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر شود و پاسخ مؤثر نیز پاسخی است که کودک را قادر می‌سازد تا به هدف‌هایی دست یابد که باعث تقویت عزت نفس می‌شوند.

نقش فرآیند مسئولیت‌پذیری اجتماعی در جامعه را باید پاسخگویی به انتظارات دیگران دانست که ناشی از نقش‌های اجتماعی است که جامعه به افراد تجویز می‌کند و با افراد کسب می‌کنند. در واقع اجتماعی شدن مسئولیت‌ها، همان آموزه‌ها و شیوه‌های مدنی است که به افراد تجویز می‌شود و یا کسب می‌گردد (میامی، ۱۳۹۱: ۵۵).

مسئولیت یا مسئولیت‌پذیری به تنهایی، اشاره به حس وظیفه‌شناسی، پاسخگو بودن و تعهد دارد (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۵۰۵ و Allen, 2010: 441) واژه مسئولیت در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، حقوق و روانشناسی به کار رفته است. در این رابطه جان استوارت میل، از فیلسوفانی است که در مقاله خود با عنوان «در مورد آزادی» زمینه ورود این واژه را به جامعه‌شناسی فراهم نمود (بیرهوف، ۱۳۸۷: ۲۳۱). صاحب‌نظران و متخصصان مختلف نیز برداشته‌ها و تبیین‌های خاصی را در مورد معنا و مفهوم مسئولیت‌پذیری ارائه کرده‌اند. از دیدگاه فروم (۲۰۰۴)

مسئولیت‌پذیری صرفاً وظیفه یا تکلیفی نیست که باید توسط یک فرد انجام بگیرد، بلکه برعکس، بیانگر نوعی احساس و حالت است که توسط خود فرد برانگیخته شده و حامل و در بر دارنده پاسخ و واکنش فرد نسبت به نیازهای دیگران به صورت آشکار یا پنهان است.

ناکامورا و واتانابه-مورائوکا (۲۰۰۶) نیز تأکید می‌کنند که مسئولیت‌پذیری از آن رو که بر ایده دموکراسی و جامعه دموکراتیک تأثیر می‌گذارد، دارای ارزش والایی است و اصولاً محور و کانون اصلی مسئولیت‌پذیری، نועدوستی و احترام به دیگران است. مرگلر و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که مسئولیت‌پذیری در معنای توانایی نظم دادن به تفکر، احساسات و رفتار فردی همراه با اراده و قدرت انتخابگری خود به عنوان مسئول و پاسخگوی اصلی پیامدهای فردی و اجتماعی آن است. از دیدگاه سرتو (۱۹۸۹) مسئولیت‌پذیری به مثابه الزام و تعهد درونی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی است که به عهده او گذاشته شده و نشأت گرفته از واقعیت‌های درونی هر فرد است. لذا این مفهوم با پذیرش و انجام یک مسئولیت یا وظیفه، متناسب با سطح توانایی‌ها، استعدادها و علایق فردی همراه است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی در سه سطح خرد، میانی و کلان قابل مطالعه است. در سطح خرد مسئولیت‌پذیری به عنوان احساس تعهد و کنشی که تک‌تک افراد در قالب نقش‌های خود نسبت به یکدیگر دارند، در نظر گرفته می‌شود. در سطح میانی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ارتباط با گروه، سازمان و مانند آن و در سطح کلان مسئولیت‌پذیری اجتماعی دولت-ملت‌ها در نظام جهانی مطرح می‌گردد (Skilair & Miller, 2010: 475-486).

«بلکبرن» در کتاب خود ضمن تأکید بر نقش تعیین‌کننده مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رسیدن به توسعه پایدار، معتقد است می‌توان آن را در قالب‌ها و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بررسی کرد (Blackburn, 2007: 5) از نظر «کاکابادس» نیز بر حسب موقعیت‌های گوناگون حیات اجتماعی پنج نوع شهروند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جهانی و مجازی وجود دارند (Kakabadse, 2009: 5).

مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های تولید و توزیع بیشتر در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و کمپانی‌های تجاری و مالی نمود پیدا می‌کند. میلر بیان می‌کند که شرکت‌ها در تولید و توزیع کالا و خدمات باید به کیفیت و استاندارد کالاها توجه نمایند (Miller, 2010; Skilair & Miller, 2004: 247). رفتار شرکتی، بهبود سازمانی و اقتصادی مناسب و مسئول را تحت تأثیر

قرار خواهد داد. و نیز بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد. اخلاق به عنوان معیاری برای فعالیت سازمانی در نظر گرفته شده است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، به مثابه یک موضوع، به دغدغه‌هایی اشاره دارد که متوجه اثرات اجتماعی و محیطی رفتار سازمانی است (Crowther & Aras, 2008: 62-67).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان در بعد سیاسی سطوح گوناگونی دارد. یکی از مهمترین سطوح آن سطح جامعه‌ای می‌باشد که ناظر به عملکرد شهروندان در ارتباط با دولت-ملت می‌باشد. در این راستا می‌توان به شاخص‌هایی مانند: مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی مربوط به کشور و مانند آن اشاره داشت. در اهمیت این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی گفته می‌شود که تحقق واقعی مفهوم شهروندی، در این بعد از مسئولیت‌پذیر اجتماعی نمود پیدا می‌کند (McCowan, 2009: 8).

بعد جامعه‌ای-اجتماع: این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی به پایگاه اجتماعی فرد و مجموعه‌ای از روابط و پیوندهای میان افراد که روزانه با توجه به نقش‌های خود با دیگری در کنش متقابل هستند، مربوط می‌شود. معنای محوری این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی ناظر بر تعهد کنشگران به مجموعه‌ای از قواعد، قوانین و هنجارها، جهت نظم بخشیدن و هماهنگ نمودن روابط میان کنشگران می‌باشد. این هنجار و قواعد عمل که هم می‌توانند هم جنبه رسمی و هم جنبه غیررسمی داشته باشند، مبنای کنش و مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد را فراهم می‌سازند. از این جهت انتظار می‌رود فرد به عنوان شهروند جامعه در تعاملات و برخوردها، غیر از منافع فردی به منافع جمعی نیز توجه نماید. به طور خلاصه، اساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این بعد مبتنی بر رعایت حقوق دیگران، نودوستی و مشارکت اجتماعی است. برای مثال یک شهروند باید به این امر واقف باشد که در یک جامعه، تنها نیست و در کنار مجموعه‌ای از افراد با عنوان شهروندان مدنی زندگی می‌کند، پس پیگیری منافع فردی نایستی به قیمت نادیده انگاشتن منافع جمع و ارزش‌های جمعی حاصل شود. این اندیشه که همه ما افراد یک جامعه و نسبت به اعمال و رفتار یکدیگر مسئولیت‌پذیر هستیم، می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد (طالبی و خوش‌بین، ۱۳۹۱: ۲۱۷).

بعد زیست محیطی: طبیعت و محیط زیست، بعد دیگری است که مجموعه افراد در درون آن قرار دارند ولی در انحصار فرد خاصی نیست. امروزه با توجه به رشد و گسترش شهرنشینی،

جمعیت، تکنولوژی و صنایع، رفتارهای پرخطر ناشی از آن‌ها بیش از پیش مورد توجه دانشمندان می‌باشد. آلودگی هوا، گرم شدن زمین، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، تخریب لایه ازن و بسیاری موارد دیگر تنها بخشی از پیامدهای این رفتارهای پرخطر می‌باشند. یکی از عوامل تهدیدکننده در این رابطه تفکرات اقتصادی سرمایه‌داری و بسط آن مبنی بر دست یافتن به بیشترین سود است. در مقابل طرح موضوعاتی چون شهروند محیط زیستی و شهروند جهانی می‌تواند دلیلی بر اهمیت این بعد از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دوره کنونی تلقی شود (Pangsapa & Smith, 2008) در این رابطه یک شهروند می‌تواند از یک سو با تعدیل و کنترل رفتارهای پرخطر نسبت به محیط زیست و از سوی دیگر با تلاش برای بهبود شرایط آن در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی گام بردارد.

اخلاق و مسئله مسئولیت‌پذیری اجتماعی

بری اسمارت (Smart, 2001) بر این باور است که دانش جامعه‌شناسی قرن بیستم به مقوله اخلاق توجهی صرفاً حاشیه‌ای داشته و این برخلاف اندیشه‌های بنیانگذاران این دانش است. البته، آن طور که اسمارت تشریح می‌کند، جدایی اخلاق از علم در نظریه جامعه‌شناسی چون وبر، و تأکید افراطی جامعه‌شناسی چون دورکیم بر جامعه‌محور بودن اخلاق عملاً اخلاق را از فهرست اولویت‌های جامعه‌شناسی خارج می‌کند. اگرچه دورکیم، برخلاف وبر، مدعی امکان استخراج گزاره‌های اخلاقی از تتبعات علمی است اما در نظریه او این که جامعه معیار همه چیز و از جمله اخلاق است، در عمل منجر به پاسداشت جامعه و وجدان جمعی می‌شود، تلاش در جهت حفظ نظم جامعه به همین صورتی که هست.

سی رایت میلز نیز غفلت اخلاق در جامعه‌شناسی آمریکایی را به چالش کشید و ابعادی را برای بینش جامعه‌شناختی برشمرد که یکی از آن‌ها پرداختن به مسئولیت اجتماعی است. هیرونیموس ونت و والاس (2009) بر پایه پیوند بین بینش جامعه‌شناختی و مسئولیت اجتماعی در اندیشه‌های میلز، این گونه استنتاج می‌کنند که جامعه‌شناسان بایستی مسئولیت اجتماعی را عاقدانه تدریس کنند- به عنوان ابزاری برای تحقق رؤیای سی رایت میلز. به باور ایشان، یکی از وجوه کلیدی بینش جامعه‌شناختی، نوعی حس مسئولیت اجتماعی است، و این وجه از طریق ترکیب تجربه و دانش دانشگاهی است که به بهترین نحو آموخته می‌شود.

بهترین صورت‌بندی از رابطه میان مسئولیت‌پذیری و اخلاق را در جامعه‌شناسی، زیگموند باومن با وام گرفتن دستگاه نظری لویناس ارائه داده است. لویناس مسئولیت‌پذیری را در متن اخلاق و حتی سوژگی می‌نشانند و آن را «وظیفه دائم مراقبت و تلاشی» می‌داند که منجر به نقادی مداوم از قدرت و دستگاه سیاسی خواهد شد. باومن با بهره گرفتن از این ایده راه فراتر رفتن از بی‌تفاوتی اخلاقی را که دامن‌گیر جوامع مدرن شده، مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌داند. گیدنز و باومن هر دو بیان کرده‌اند که مدرنیته با نوعی بی‌میلی به روبرو شدن با موضوعات مهم اخلاقی و وجودی همراه است. گیدنز می‌گوید مقاومت در برابر درگیر شدن با سوالات اخلاقی در دوره مدرن یک الزام است. به همین علت تجربه مدرنیته همچون تجربه زندگی در یک جهان رهاشده است یا تجربه رویارویی با یک نیروی عظیم مخرب است. دوره زندگی و کارهای شخصی برای افراد به یک پروژه شخصی تبدیل شده است که از ریشه‌های سنتی‌اش در محلیت، روابط خانوادگی و جمعی و مناسک گذار، کنده شده است. باومن هم مدرنیته را به همان صورت می‌فهمد. او به تاثیر فراگیر تکه‌تکه شدن¹ (تجزیه‌شدگی) اشاره می‌کند. خویشتن فرد، در این وضعیت با شبکه پیچیده‌ای از نقش‌ها، نظام‌های تخصصی تولیدکننده حقایق (که با فهم روزمره نمی‌توان آنها را درک کرد یا به چالش کشید) یکسان انگاشته می‌شود و در این میان، فناوری، ابزارها را به هدف تبدیل می‌کند. همچنان که فرایند سکولار شدن، حقایق معنوی و دستورات اخلاقی را تهی می‌کند، مدرنیته می‌کوشد اطمینان را در عام‌گرایی و اصول بنیانی پیدا کند. علم و خرد، ایرادها را پیدا می‌کنند، کنش‌های اصلاحی را انتخاب می‌کنند و ناگهان به فهم و سروری بر جهان طبیعتی دست پیدا می‌کنند، فهمی که اساسا کاربردی است و بر پایه دانش بنیانی قرار گرفته است (Smith, 2002: 44).

باومن گمان می‌کند که اخلاق به سادگی نمی‌تواند در جهان مدرنی که محصول پیشرفت عقلانی است جا بگیرد. فهم وی از اخلاق، به بیان آن از طریق مسئولیت فردی و غیرمشروط نسبت به دیگری مربوط است. به زعم باومن اندیشه و کنش اخلاقی به مشارکت مستقیم، همدلی و تعهد و دغدغه برای نیک‌بختی دیگری نیاز دارد. نگرش اخلاقی ضرورتاً یک طرفه است، نمی‌تواند به شکل مقابله به مثل و در قالب تبادل قراردادهای پایدار بماند. باومن عامل اخلاقی را «به

¹ fragmentation

طور نامالایمی فردگرایانه^۱، دووجهی^۲، احساساتی^۳، خودانگیخته^۴، معطوف به دیگران^۵ و خودبنیاد^۶ می‌داند. مهمتر آنکه اخلاق «غیرقابل مدیریت»^۷ است و بنابراین جامعه مدرن باید آن را به مجموعه‌ای از کدهای اخلاقی و شماری از قراردادهای تبادلی تبدیل کند که اغلب با قانون بازنمایی می‌شوند. باومن بیزاری مدرنیته را به اندیشه اخلاقی بدین شکل نشان می‌دهد:

نه جهانی که به صورت شناختی تقسیم شده و نه جهانی که با معیارهای زیبایی‌شناسانه تقسیم شده، هیچ کدام پذیرای تقسیم‌بندی‌های اخلاقی نیستند. در هر دو انگیزش‌های اخلاقی بدنه‌های بیگانه و رشدهای سرطانی به شمار می‌روند. در فضای اجتماعی/شناختی به این خاطر که شخصیت رفیع و بی‌تفاوت قواعد را ضعیف می‌کنند و خلوص عقل را با لکه‌های غیرقابل شستشوی عاطفه از میان می‌برند. در فضای اجتماعی/زیبایی‌شناسانه به این خاطر که انگیزه‌های اخلاقی گرایش دارند که چیزهایی را که قدرت اغواگرشان را تنها از بودن به حرکت وامی‌دارند و آماده‌اند که زمانی که دستور داده شود محو شوند. (Smith, 2002: 45).

تمرکز تحلیلی کار لویناس را روابط میان-انسانی نزدیکی با دیگری تشکیل می‌دهد. سوپژکتیویته بر حسب اخلاق درک می‌شود؛ «گره‌گاه دقیق "سوپژکتیو"، بر اخلاق، به معنای مسئولیت‌پذیری قرار داده می‌شود». سپس مورد اخیر [مسئولیت‌پذیری] به عنوان «ساختار ضروری، اولیه و بنیادین سوپژکتیویته» توصیف می‌شود (لویناس، ۱۹۹۲: ۹۵). در تقابل با جریان اصلی سنت فلسفی غرب که هم‌بستگی‌ای میان «دانش [شناخت]»، به معنای تأمل بی‌غرضانه و وجود، [به عنوان] مقرر فهم‌پذیری، وقوع معنا» (لویناس، ۱۹۸۹: ۷۶) برقرار می‌سازد، برای لویناس این اخلاق است که فلسفه‌ی اولی را می‌سازد. با این حال به نظر لویناس در لحظه‌ای که جامعه‌مندی به فراتر از تعامل چهره‌به‌چهره بسط می‌یابد، روابط مسئولیت‌پذیری اخلاقی که وجود انسانی ما را تشکیل می‌دهد، مسدود می‌شود. به محض این که بیش از دو نفر وجود داشته باشد، روابط اخلاقی دگرگون می‌گردند و به روابط سیاسی تبدیل می‌شوند. این‌جا، در

¹ ruggedly individualistic

² ambivalent

³ emotional

⁴ spontaneous

⁵ other regarding

⁶ autonomous

⁷ ungovernable

«آرایش سیاسی-اجتماعی سازمان‌دهی و بهبود زندگی انسانی‌مان» است که آداب، «مجموعه قواعد مرتبط با رفتار اجتماعی و تکالیف مدنی» (لویناس و کیرنی، ۱۹۸۹: ۲۹) به میدان می‌آیند. به عقیده‌ی لویناس، اخلاق، [یعنی] حساسیت سوژه به فراخوان دیگری [در این‌جا] «تبدیل به آداب می‌شود و به محض این که به درون جهان سیاسی غیرشخصی «طرف سوم» [شخص ثالث] -جهان‌دولت، نهادها، دادگاه‌ها، زندان‌ها، مدرسه‌ها، هیأت‌ها و... وارد می‌شود، پوست‌اش سخت می‌شود» (لویناس و کیرنی، ۱۹۸۹: ۳۰). در واقع لویناس مسئولیت‌پذیری اخلاقی را چنین توصیف می‌کند: «وظیفه‌ی دائم مراقبت و تلاش» (لویناس و کیرنی، ۱۹۸۹: ۳۰) که نیازمند آمادگی دائم برای آن است که جهان سیاسی دولت را در نظر بگیرد. به معنای دقیق کلمه اخلاق برای لویناس چندان حاکی از یک «آن‌چه باید باشد» متافیزیکی، چونان آشفتگی عمیقی در وجود ما و در رضایت‌مندی از وجود ما نیست؛ اخلاق لویناسی به معنای دقیق کلمه، سازنده‌ی یک قالب بالقوه قدرت‌مند از نقادی است.

کنشگری اجتماعی، جامعه و مسئولیت‌پذیری

میلر، در کتاب «کنش اجتماعی» از دو نوع کنش فردی و اجتماعی یاد کرده و اظهار می‌دارد که مسئولیت‌پذیری و اخلاق مسئولیت، لازمه کنش جمعی است. وی ضمن اشاره به سه نوع مسئولیت یعنی مسئولیت طبیعی، مسئولیت مبتنی بر نقش و مسئولیت اخلاقی، توجه به حقوق را اصلی‌ترین عنصر در آن‌ها می‌داند. به زعم میلر عامل وابستگی افراد به یکدیگر و درگیری آن‌ها در امور گوناگون جامعه، عامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد (Miller, 2004: 234-245).

ماکس وبر، فرد و کنش فرد را به عنوان واحد اساسی تحلیل خود در نظر می‌گیرد (آرون، ۱۳۸۶: ۵۹۰). او در این راستا از چهار نوع کنش اجتماعی یاد می‌کند که عبارتند از: کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به ارزش و کنش عقلانی معطوف به هدف. از نگاه وبر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان به کنش عقلانی معطوف به ارزش نسبت داد. کنشی که بر اساس آن هنجار، اخلاق و نوع‌دوستی به عنوان یک ارزش برجسته می‌باشد. از این روست که وبر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مترادف با اخلاق مسئولیت می‌داند و مهمترین خصلت آن را آزادی و آزاد بودن فرد عنوان می‌کند (Turner & Rojek, 2001: 114-115). وبر بر این اعتقاد

بود که با روند دموکراتیزه شدن فرآیند امور و عقلانی گشتن کنش‌ها، روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی که همان احساس مسئولیت نسبت به دیگران و توجه به خیر جمعی است تضعیف می‌گردد. این امر ضرورت توجه بیشتر به داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ایجاب می‌نماید (کوزر، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

تالکوت پارسونز، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از ویژگی‌های شخصیتی افراد می‌داند که تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار دارد. وی مسئولیت‌پذیری افراد و نهادها را به منظور انتظام بخشیدن به نظام اجتماعی مهم می‌داند. پارسونز در کتاب نظام اجتماعی، نظم اجتماعی را به اجزاء خردتر تجربه می‌کند. از نظر پارسونز، هریک از این اجزاء در داد و ستد با اجزا دیگر قرار دارند و در این میان ضمن رفع نیازهای یکدیگر به رفع نیازهای کل نظام اجتماعی نیز کمک می‌کنند (پارسونز، ۱۹۵۱) وی اظهار می‌دارد که درون هر یک از خرده نظام‌ها و موقعیت‌ها، کنشگران با توجه به نقش‌های خود، ایفای نقش می‌کنند. تعهد یا همان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در رفتار کنشگران اجتماعی در قالب این موقعیت‌های اجتماع جامعه-ایی، جایی که عرصه تعاملات و کنش‌های اجتماعی است، قابل بررسی است (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴۰؛ کرایب، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴؛ چلیبی، ۱۳۸۹: ۸۶-۹۶).

دورکیم علاوه بر عوامل ساختاری بر لزوم کنترل و الزام‌های درونی نیز تاکید دارد. او این مهم را از طریق بسط نظام‌های اعتقادی و دینی جامعه ممکن می‌داندست (جلائپور و محمدی، ۱۳۸۸: ۴۴). هر چند بر نیروهای حرفه‌ایی و تخصصی برای جذب افراد در خود در دوران مدرن نیز تاکید داشت. به زعم وی، کاهش در اعتقادات و دینداری افراد زمینه بی‌هنجاری اجتماعی را فراهم می‌سازد، پس با توجه به آن‌ها می‌توان از بی‌هنجاری در جامعه کاست. به عبارت دیگر، داشتن التزام به هنجارهای دینی و انجام مناسک مذهبی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری اجتماعی کنشگران تاثیر اساسی دارد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

مدرنیته و نیروهای آن علیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی

ترینر (۲۰۰۵) به مهمترین نیروهایی می‌پردازد که در جامعه مصرف‌گرا-سرمایه‌دار به شدت در مقابل مسئولیت اجتماعی مقاومت می‌کنند و مبنای سه‌گانه^۱ آن را متزلزل می‌سازند. این عوامل ذیل هشت عنوان قابل طرح است:

۱- اندازه و وسعت جوامع مدرن: مسئولیت‌پذیری اجتماعی با کوچکی مقیاس، آسانتر اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که مردم قادر هستند کنترل‌هایی را بر امور محلی‌شان داشته باشند. وقتی جوامع بزرگتر شدند افراد احساس بی‌قدرتی و ناتوانی می‌کنند و امور را به دست «رهبران» و بوروکراسی واگذار می‌کنند. جوامعی وجود داشتند به نظر می‌رسد که دارای میزان قابل توجهی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بودند. در یونان باستان، شهروندان اولویت زیادی به بحث درباره امور عمومی و مشارکت در دولت قائل بودند (واژه‌ای هم برای فردی که در این بحثها مشارکت زیادی نداشتند استفاده می‌کردند «پخمه، ابله»). بوکلین (۱۹۶۷) توضیح می‌دهد که چطور آن شهروندان، این کار را نه به عنوان یک وظیفه بلکه به مثابه یک عنصر حیاتی در تعلیم یک شهروند می‌دانستند (به نقل از ترینر، ۲۰۰۵: ۶۹۲). متفاوت از جامعه ما، افراد مطمئن بودند که تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که به رفاه جامعه می‌انجامد و از این رو از مسئولیت‌پذیری و اهمیت کمک به حل مسائل به طور موثر و یافتن پاسخ درست آگاه بودند.

۲- طبقه: مقصر اصلی را می‌بایست قشر ثروتمند دانست زیرا به نفع آنهاست که توده مردم تسلیم وضعیت موجود باشند. افراد بسیار ثروتمند مالک رسانه‌ها هستند و افراد اندیشمند را اجیر می‌کنند مانند اقتصاددانان، تا در راستای بازتولید ایدئولوژی غالب برای حفظ شرایط موجود تلاش می‌کنند.

۳- قدرت رفاه: عادت به ثروت و رفاه (فراوانی) یکی از مهمترین موانع مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. سبک زندگی مصرف‌گرا و رفاه‌طلب مانع شکل‌گیری گروه‌های مخالف

^۱ سه مولفه روانشناختی مبنای مسئولیت اجتماعی که عبارتند از: ۱- ظرفیت فکری یا آمادگی برای دیدن، توجه-کردن، تمرکز کردن به موقعیت‌های ناراحت‌کننده؛ ۲- واکنش عاطفی، احساس ناخشنودی درباره موقعیت، همدردی با کسانی که پیامدها را متحمل می‌شوند و درک اینکه برخی کارها را می‌توان انجام داد. و ۳- اراده، تمایل به اقدام‌های علاج‌بخش

بی‌عدالتی اقتصاد جهانی و جهانی‌شدن است. تقریباً تمام مردم دوست دارند که ثروت داشته باشند، دارای املاک باشند، مسافرت کنند، راحت باشند، دارای منزلت باشند، خانه زیبا داشته باشند، امنیت مالی داشته باشند و پس‌انداز خوبی داشته باشند. حتی آنهایی که دغدغه محیط زیست دارند، به کسی که پیشنهاد می‌کند که از بین بردن نظم پایدار جهانی از طریق کاهش شگفت‌انگیز سرانه مصرف جهان ثروتمند امکان‌پذیر است، گوش نمی‌دهند.

۴- فردگرایی: وضعیت فردگرایانه در فرهنگ غربی نقش محوری در موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی بازی می‌کند. فردگرایی، آگاهی، پایداری و کنش را تضعیف می‌کند. در فرهنگ فردگرایانه تفکر درباره اینکه چه چیزی کارکرد تربیاتی اجتماعی را مختل می‌کند، وجود ندارد یا ضعیف است.

۵- روشنفکران (متفکران): مسئله فقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی متوجه طیف وسیعی از روشنفکران در جامعه است: معلمان، نویسندگان، ژورنالیست‌ها، متخصصان و بویژه دانشگاهیان. اینها افرادی هستند که علم زیادی آموخته‌اند و آموزش دیده‌اند و مفروض گرفته می‌شود که متفکرند، تحلیل‌گرند و تعلیم‌دهنده‌اند. ذکاوت و هوش آنها را قادر می‌سازد تا به فضا سفر کنیم، کامپیوترها بوجود بیاورند و اتم شکافته شود اگرچه به لحاظ تاریخی طبقات روشنفکر در تفکر انتقادی درباره جامعه‌شان شکست خورده‌اند و به طبقات ممتاز (که آنها را اجیر کردند) خدمت کرده‌اند. امروزه تنها بخش کوچکی از آنها به مسائل ضروری که با آن مواجه هستیم توجه می‌کنند (به زعم من کمتر از یک درصد آنها در دانشگاه من) (Trainer, 2005: 694).

بسیاری از دانشگاهیان حتی در علوم انسانی خودشان را وقف مطالعه و تدریس درباره موضوعاتی می‌کنند که از پیش‌پاافتاده‌ترین چیزها در شرایط کنونی ما هستند.

غفلت و نادیده‌انگاری نمی‌تواند بوسیله داشتن ترس یا خطر، توجیه شود. مسئله این نیست که برای مطالعه موضوعات حیاتی علی‌رغم مخالفت افراد دارای اقتدار یا عقاید عموم مردم شجاعت لازم است. مسئله، بی‌تفاوتی کامل، نبود درکی از اهمیت یا ضرورت این مسائل و مشکلات است. ممکن است فردی ادعا کند که «مردم فکر می‌کنند یک امری اشتباه است اما آنها چه کاری می‌توانند در قبال آن انجام دهند؟» به عبارت دیگر، برخی اوقات مطرح می‌شود که مسئله و مشکل، ناتوانی است نه بی‌تفاوتی. این موضوع با استدلال ساده «فقدان شدت و اشتیاق»

قابل رد کردن است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی دربردارنده دغدغه و نگرانی از چنین عظمتی است که عواطف و اراده درون آن حرکت می‌کند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی که بوسیله ناتوانی و بی‌قدرتی مسدود شده است، قابل پیش‌بینی است که نارضایتی شدیدی را از خود بروز دهد. با این وجود آنچه که ما با آن سروکار داریم، بی‌تفاوتی است (trainer, 2005: 695).

۶- پست مدرنیسم: جامعه پست مدرن، سنگربندی تمام آن چیزهایی است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی را انکار و تخریب می‌کند. دوره‌ای که پرداختن به مسائل بی‌اهمیت، پیش‌پاافتاده، تصاویر و تجربیات زودگذر، سلبریتی‌ها، نمایش‌ها، هیجانانگیز، ورزش، تلویزیون و لذت‌طلبی آنی را در مرکز توجه قرار داده است. رضایتی که از خرید روزانه، محصولات و تجربیات دورریختنی می‌آمد به سرعت به نارضایتی تبدیل می‌شود. میزان فزاینده خشونت، تخریب و ویرانگری و ارباب، مخاطبان گمراه‌شده را ارضاء می‌کند.

نیروهای جامعه مصرف‌گرا-سرمایه‌دار بسیاری از منابع اهداف عمیق‌تر یا هویت مانند تجربه جمعی^۱، تولید خانگی خودبسنده^۲، مشارکت در خودحاکمیتی^۳، صنایع دستی، سرگرمی‌ها، تجارت‌های عمرانه را از بین برده است و به جای آن جایگزین‌های ساختگی و مصنوعی مانند تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری را گنجانده است.

۷- عقلانیت: پست‌مدرنیست‌ها باور روشنگری به قدرت خرد برای فهم و کنترل جهان و رهایی بشر را به سخره می‌گیرند. آنها معتقدند خرد منجر به جنگ‌های قرن بیستم، کمپ‌های مرگ، سلاح‌های اتمی و قواعد شرکتی شده است.

پست‌مدرنیست‌ها به طور واضح اشتباه می‌کنند. پارادوکس‌ها و تراژدی‌های قرن بیستم بواسطه عقلانیت نبوده است. بلکه به دلیل عقلانیت ناکافی بوده است و اکثر آنها از بین خواهند رفت اگر عقلانیت در شهروندان مسئول و متعهد، درونی شود.

۸- تحصیلات و تعلیم و تربیت: در خصوص مسئولیت‌پذیری اجتماعی بایستی صحبت از شکست سیستم آموزش کرد. کافی است اشاره کنیم که تمام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها حدود هزار ساعت در طول ۱۵ سال برای آموختن چیزهایی مانند معادلات مربع، شکسپیر و نحوه

¹ experience of community

² self-sufficient household production

³ participation in self-government

ساختن پل‌ها صرف می‌کنند اما آنها حتی یک دقیقه هم برای مطالعه محدودیت‌های رشد معضلات جهانی صرف نمی‌کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی هیچ جایی در بین ۴۷ موضوع برای آموزش در دبیرستان‌های دولتی ندارد. تقریباً هیچ یک از دانشجویانی که در دانشگاه من ثبت نام می‌کنند با این ایده آشنا نمی‌شوند که اساساً در چه جامعه ناپایداری زندگی می‌کنند و رفتارهای هر روزه آنها و معیارهای زندگی مورد ستایش‌شان، دلیل اصلی مصیبت‌های جهانی است که در اطراف همه آنها در حال رخدادن است (Trainer, 2005: 697).

نیروهای بسیار قدرتمندی در جامعه مصرف‌گرا-سرمایه‌دار وجود دارند که علیه مسئولیت اجتماعی هستند. راه حل به لحاظ نظری ساده است و سه درونمایه اصلی برای اقدام مثبت مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. دلیل اینکه چرا مسائل و خرابی‌ها و غیره در جوامع مدرن حل نمی‌شود، عدم علاقه عموم مردم به این مسائل و حل آن است. اگر اغلب مردم نگران بیکاری یا فقر یا گرسنگی باشند اقدام عاجل برای رفع آنها به کار خواهند بست. در جوامع انسانی به طور عام، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح نازلی قرار دارد.

در جهان کنونی، مسئله سلطه به طور فزاینده‌ای در حال رشد است. بخش بسیار اندکی، اغلب ثروت جهان را در اختیار دارند و جهان را بر اساس منافع خودشان راهبری می‌کنند. در آمریکا، یک درصد افراد نیمی از سرمایه را در اختیار دارند. اقتصاد کنونی جهانی به نفع کمتر از ده درصد افراد کار می‌کند (Fotopoulos, 1997) و نابرابری در حال گسترش است. جهانی شدن، به شرکت‌های ثروتمند، آزادی بیشتری می‌دهد و این حق را به آنها می‌دهد که اکثر مردم را در بدبختی نگهدارند. حتی طبقات متوسط در کشورهای ثروتمند به سطحی از نعمت و آسودگی عادت کرده‌اند. تمام این مسائل به سرعت از بین خواهند رفت اگر میزان معینی از نگرانی درباره مسائل اجتماعی و تبعات آن وجود داشته باشد (Trainer. 2001: 689). به اعتقاد میل «یک فرد ممکن است باعث بدبختی دیگران شود نه بواسطه عملش بلکه بواسطه بی‌عملی‌اش و در هر دو مورد، او مسئول آسیب‌ها و رنج‌های آن افراد است» (Rothenberg straul, 1976: 156).

چشم‌اندازی برای مسئولیت‌پذیری

وابستگی متقابل، ستون فقرات روابط متقابل و کنش متقابل‌هاست: افرادی که دارای اخلاق وابستگی متقابل هستند (به معنی دیالکتیک در زبان یونان باستان) نیازهای متقابل‌شان را می‌-

فهمند و به آن احترام می‌گذارند و از همدیگر حمایت می‌کنند، که در این موضوع به آنها کمک می‌کند تا بیشتر کل‌نگر باشند تا یکسویه. اخلاق وابستگی متقابل، بکارگیری دانش و منابع آن، آنها را به سمت منافع متقابل و درازمدت هدایت می‌کند در حالی که اخلاق استقلال باعث کیفیت کاری پایین، اعتصاب، شورش، فجایه زیست‌محیطی و غیره می‌شود که بسیار پرهزینه هستند. کل‌نگری الزامی در مقابل مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر منفعت‌رسان است (Mulej et al., 2013: 471).

ترینر (۲۰۰۵) اعتقاد دارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی نادیده گرفته شده که از اهمیت بسیاری برخوردار است و سعی دارد از جنبه‌ها و زاویه‌های مختلف و متفاوت این موضوع را تحلیل کند. به نظر می‌رسد که ما می‌توانیم سه رکن روانشناختی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تشخیص دهیم:

۱- ظرفیت فکری یا آمادگی برای دیدن، توجه‌کردن، تمرکز کردن به موقعیت‌های ناراحت‌کننده.

۲- واکنش عاطفی، احساس ناخشنودی درباره موقعیت، همدردی با کسانی که پیامدها را متحمل می‌شوند و درک اینکه برخی کارها را می‌توان انجام داد.

۳- اراده، تمایل به اقدام‌های علاج‌بخش.

اولین عامل دربرگیرنده ظرفیت برای شناخت اهمیت نسبی امور است. مقابل این موضوع، توجه بیش از اندازه به امور پیش‌پاافتاده و کم‌اهمیت است. ویژگی جامعه پست‌مدرن، دارا بودن سطح قابل‌توجهی از پرداختن به امور کم‌اهمیت است. اغلب مردم زمان خود را صرف انجام یا تفکر درباره اموری می‌کنند که در دنیای ما از اهمیت کمتری برخوردار هستند. در اطراف ما افراد ماهر، باهوش و باوجدانی وجود دارند که واقعا به این مسئله فکر می‌کنند که بازی بعدی را چه کسی می‌برد یا برایشان مهم است که کتاب آشپزی یا لغت‌نامه دیگری بنویسند، آلبوم جدید را بخرند، یک رتبه بالاتر بروند، سالها کار کنند تا یک مدال جهانی را ببرند یا یک مقدار از موهایشان را اصلاح کنند (Trainer, 2005: 682-703).

ترینر (۲۰۰۵) به سه رکن اساسی برای داشتن جامعه مسئول اشاره می‌کند:

۱- آموزش برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی

۲- توسعه نهادهای آگاهی‌بخش خاص، قدرتمندکردن فهم مسائل اجتماعی

۳- توسعه ترتیباتی که در طی آن کارکرد و عملکرد روزمره مستلزم و مقوم مسئولیت-پذیری اجتماعی شود.

اگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود داشت چه تعداد جنگ‌هایی که به وقوع نمی‌پیوستند و چه تضادهایی و نزاع‌هایی که شکل نمی‌گرفت. جنگ جهانی اول با ۲۰ میلیون کشته و جنگ جهانی دوم با ۵۰ میلیون کشته و در ادامه، جنگ سرد و مسابقه تسلیحات هسته‌ای با ۵ میلیون کشته از تبعات فقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح عام است. میلیون‌ها نفر برای مبارزه در جنگ جهانی اول ثبت نام کردند بدون آنکه کوچکترین فهمی از مسائل آن داشته باشند؛ آمریکا، انگلستان، آلمان و یا ژاپن به دنبال گسترش امپراطوری خود و مستعمرات خود چه مصائب و مشکلاتی را بوجود آوردند. این مسئله ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که به لحاظ تاریخی، رهبران جوامع هیچ مسئولیتی را به بشریت در سطح عام و به افراد جوامع در سطح خرد، متوجه خود نمی‌دیدند.

بحث، نتیجه‌گیری و مدلی برای سنجش و پژوهش

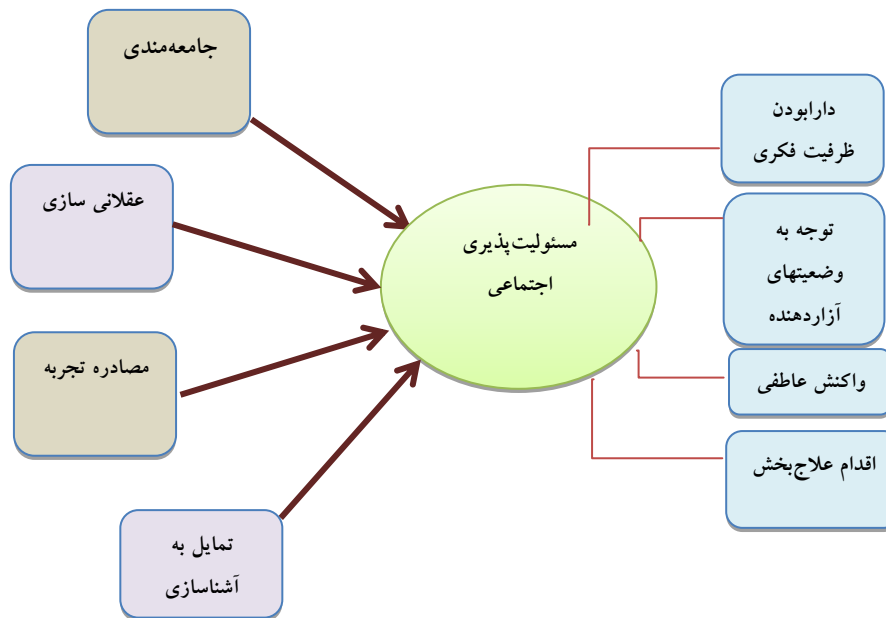
مسئولیت‌پذیری اجتماعی، متعلق بودن انتخابها، رفتارها، احساسات و داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین است. به عبارت دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی «وظیفه دائم مراقبت و تلاشی» برای برون‌رفت از بی‌تفاوتی با دارابودن ظرفیت فکری و توجه به وضعیتهای آزاردهنده و واکنش عاطفی در مقابل آنها و اراده برای اقدام‌های علاج-بخش است. این تعریف شامل چهار بعد است: وظیفه دائم مراقبت و تلاش برای برون‌رفت از بی‌تفاوتی؛ دارابودن ظرفیت فکری و توجه به وضعیتهای آزاردهنده؛ واکنش عاطفی در مقابل آنها و اراده برای اقدام‌های علاج‌بخش.

اخلاق، نقطه اتصال مسئولیت‌پذیری به جامعه مدرن است. جامعه‌ای که به شدت در ورطه مصرف‌گرایی و سرمایه‌داری فروغلطیده است و این فرآیند در طی مسیر خود، انسانهایی بی-تفاوت، غیرمسئول و خودمدار تربیت و تولید کرده است. اگر مسئله اخلاق را در موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقطه کانونی در نظر بگیریم به زعم لویناس و باومن خواهیم توانست تا محرکهای جامعه مدرن را درک و برای آن چاره‌جویی کنیم.

اخلاق از طریق سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و نهادهای اجتماعی و مدنی در جامعه عمل می‌کند به طوریکه وضعیت اقتصادی در جامعه (مانند توزیع متوازن درآمد، ثبات و امنیت

درآمدی و توسعه‌یافتگی) در کنش اخلاقی افراد در جامعه تاثیر می‌گذارد و از طریق همین کنش‌هاست که افراد به پیرامون خود حساس بوده و متعهدانه به پیگیری و حل آن دست می‌زنند و از طرفی دیگر این کنش‌ها از طریق یادگیری و آموزش در نهادهای مختلف از جمله دانشگاه به افراد (دانشجویان) انتقال می‌یابد. اخلاق در سطوح مختلف بر مسئولیت‌پذیری تاثیرگذارند: اجتماعی، خانوادگی و فردی. در سطح اجتماعی مولفه‌ها و متغیرهایی چون اعتماد اجتماعی، دوگانگی ارزشی در جامعه، بی‌تفاوتی اجتماعی، فرهنگ سازگاری متظاهرانه نقش دارند؛ در سطح خانوادگی تربیت خانوادگی، حمایت از سوی والدین، میزان احترام به حقوق یکدیگر در خانواده در شکل‌گیری اخلاق موثرند و در سطح فردی، درک شخصی از اخلاق در جامعه، تجربه زیسته، میزان تجربه رفتارهای غیراخلاقی و خودمداری در اخلاق موثرند.

شکل‌گیری اخلاق و مولفه‌های آن نزد افراد، از ارتباط چندوجهی بین الزامات زندگی مدرن، بازنمایی مسائل اجتماعی و اخلاقی از طریق رسانه‌ها و ... و نیز عملکرد باثبات و صحیح نهادها و سیستمهای جامعه متاثر است. به هر میزانی که نهادهای مهم جامعه عملکردها و روندهای درست را طی کنند افراد در درجه نخست نظم در زندگی و انجام وظایف به طور صحیح را یاد خواهند گرفت و نیز در قبال اتفاقات پیرامون خود حساس و دغدغه‌مند خواهند بود.



فردگرایی، تمایل به آشناسازی، عقلانی‌سازی کنشها، جامعه‌مندی و بودن با دیگری و نیز «مصادره تجربه» مولفه‌های برگرفته از ادبیات نظری در این پژوهش است که مورد سنجش و واکاوی قرار خواهد گرفت. و بر همین اساس آنچه که مفهوم‌پردازی ما از مسئولیت‌پذیری اجتماعی را شکل می‌دهد، وظیفه دائم مراقبت و تلاش برای برون‌رفت از بی‌تفاوتی با دارا بودن ظرفیت فکری و توجه به وضعیتهای آزاردهنده و واکنش عاطفی در مقابل آنها با اراده برای اقدام‌های علاج‌بخش است.

به زعم باومن بودن با دیگری و به تعبیر دیگر جامعه‌مندی، منجر به شکل‌گیری واکنش عاطفی در افراد نسبت به اتفاقات پیرامون خود می‌شود و اتفاقاتی که عموماً جامعه سرمایه‌داری با خود به جامعه تحمیل کرده است. جامعه‌ای که در آن، افراد و کنشهای آن درون آن استحاله یافته و منجر به بروز بی‌تفاوتی و در برخی موارد ناخواسته به روندهای آزاردهنده دامن زده است. در اینجا این مسئله پیش می‌آید که فرد مدرن تا چه اندازه تجربه خود را به خدمت می‌گیرد تا درک درستی از زیست‌جهان خود بدست آورد و چه نیروهایی در این مسیر به این درک کمک می‌کنند و یا آن را منحرف می‌کنند. عقلانی‌سازی و بر از نقاط تمرکز مهم در فهم کنشهای فرد مدرن است. آنچه که عقلانی است ممکن است به کنشهای انسانی و عاطفی منجر نشود و این موضوع دائماً از طریق روندهای سرمایه‌دارانه تشدید می‌شود و به این صورت است که عقل و تجربه در کنار هم به منظور ترمیم و اصلاح قرار نمی‌گیرند بلکه حتی به تداوم وضعیتهای ناگوار و آزاردهنده کمک می‌کند. راه رسیدن به مسئولیت‌پذیری، دارا بودن ظرفیت تفکر و اندیشیدن در فرد است اگر فرد این قابلیت را رشد و بسط دهد از طریق کنشهای اخلاقی و در مواردی با رفتارهای عاطفی خواهد توانست موانعی در روندها و وضعیتهای آزاردهنده منبث از روندهای سرمایه‌دارانه ایجاد کند این موانع به معنای اضمحلال این روندها و وضعیتها نیست چون شرایط تاریخی و زمینه‌ای مستحکم به آسانی قابل تغییر و فروشکست نیست. مهم است که چه کنشهایی با چه کیفیت‌هایی و در چه برهه‌هایی به وقوع بپیوندند تا بتواند یک وضعیت را در جامعه کنونی تغییر یا محو کند. یقیناً جامعه‌مندی از نقاط اتصال این مسئله است. تا زمانی که فرد درگیر در میل به آشناسازی (به تعبیر برگر) امور دارد شکل‌گیری جامعه‌مندی و بودن با دیگران دچار اشکال خواهد بود.

انقطاع تجربه در دنیای جدید با پیچیدگی‌های خاص خود، اجازه شکل‌گیری درک و تفکر درباره وضعیت‌های ناگوار را نمی‌دهد؛ تجربه‌ای که به تعبیر گیدنز، مصادره شده است، از فرد، این امکان را می‌گیرد که نسبت به شرایط تاریخی جاگیرشده در جامعه مدرن اعتراض کند و علیه آن دست به کنش بزند. حال، اگر این فرد دارای این ظرفیت باشد که بتواند به لحاظ اخلاقی منافع جمع را به منافع فرد ترجیح دهد به این دلیل که نهایتاً این ترجیحات به سود فرد خواهد بود اگر وضعیت‌های آزاردهنده رهایی یابد، امکان اقدام‌های درمان‌بخش و بهبوددهنده فراهم خواهد شد.

منابع

- احمدی، حسن و جمهوری، فرهاد (۱۳۸۰) روانشناسی رشد، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری. تهران: انتشارات پردیس.
- آرون، ریمون (۱۳۸۶) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه محمدباقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- استونز، راب (۱۳۷۹) متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- امینی، محمد؛ رحیمی، حمید و همکاران (۱۳۹۲)، ارزیابی میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۹۶-۲۷۱.
- ایزدی، صمد و عزیزی شمami، مصطفی (۱۳۸۸) «ضرورت برخورداری دانشجویان از دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در فرایند جهانی شدن»، مطالعات برنامه‌درسی، شماره ۱۵، ۸۲-۶۰.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹)؛ «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۱: ۱۲۰-۱۳۹.
- بیرهورف، هانس ورنر (۱۳۸۷) رفتارهای اجتماعی مطلوب، ترجمه: رضوان صدقی‌نژاد، تهران: نشر گل‌آذین، چاپ دوم.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت، چاپ دوازدهم.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۷) نظریه‌های متاخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- جوکار، بهرام و دیگران (۱۳۹۳) «پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره اول، ۲۲-۳.

- رسولی نژاد، مرتضی و دیگران (۱۳۹۳) «رابطه معنویت با تعهد و احساس مسئولیت در دانشجویان، مطالعه موردی دانشگاه پیام‌نور دامغان»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، ۱۱۹-۱۳۲.
- سبحانی نژاد، مهدی و هاشم فردانش (۱۳۷۹): «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره ابتدایی ایران»، مجله دانشگاه تربیت مدرس، ش ۱: ۹۵-۱۱۴.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۶): آثار تعهدات و قراردادهای [بیجا] مجمع علمی و فرهنگی مجد
- طالب‌زاده نویریان، محسن؛ بهرام صالح صادقی‌پور و انسی کرامتی (۱۳۸۷): «بررسی تأثیر جو اجتماعی مدارس متوسطه بر پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ش ۸: ۲۳-۴۶.
- فتحی واجارگاه، کوروش و سکینه واحد چوکده (۱۳۸۷): «شناسایی آسیب‌های شهروندی در برنامه درسی پنهان نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۷: ۹۳-۱۳۳.
- فرمینی فراهانی، حسن (۱۳۷۸): فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران، اسرار دانش
- کرایب، یان (۱۳۸۹) نظریه‌های اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس، ترجمه «عباس مخبر، تهران: انتشارات آگه، چاپ ششم.
- کلمز، هریس، بین، رینولد (۱۹۸۳) نظریه‌های شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی
- میامی، حسن (۱۳۹۱). "تاملی بر فرایند جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان" پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند ۹۱.
- نیکخواه، هدایت، جهانشاهی فرد، پریسا (۱۳۹۳)، بررسی میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان بندرعباس و عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر آن، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال پنجم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۴-۱۰۹
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات ثالث، چاپ اول.
- Allsopp, Bruce. "Social Responsibility and the Responsible Society" Stocksfield, Northumberland, England and Boston: Oriel Press, 1984.
- Bandura, A (1977). Social Learning Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall
- Bandura, A Walters, R (1963). Social Learning and Personality Development. New York: Holt, Rinehart & Winston
- Berman, S.(1993). Social consciousness and the Development of Social Responsibility. Albany, NY: State University of New York Press
- Bersonsky, M. D & Kuh, L. S. (2000). Identity status, identity processing and transition university, Journal of Adolescent Research, Vol. 15,N.1,81-98

- Blackburn.R.(2007).The Sustainability Handbook; The complete Management Guide to Achieving Social, Economic and Environmental Responsibility, First published by Earthscan in the UK and USA ,Londo
- Blizek, William L. "The Social Concept of Responsibility." Southern Journal of Philosophy 9 (1971): 107-112.
- Bookchin, M. (1967), the Rise of Urbanization and the Decline of Citizenship, Sierra Club, San Francisco, CA.
- Chamberlin, Leslie and Chambers, Norman (1994) Developing Responsibility in Today's Students. The Clearing House, Vol. 67, No. 4 (Mar. - Apr., 1994), pp. 204-206.
- Cereto, S.C. (1989). Principles of Modern Management, Function & Systems. Massachusetts: Allyn & Bacon, THC.
- Chile, Love M & Black, Xavier M (2015) University–community engagement: case study of university social responsibility. Education, Citizenship and social justice, ۱۰ issue: ۳, page(s), 234-253.
- Clarke, M. J. (1975) "Impact of Social Science on Conceptions of Responsibility." British Journal of Law and Society 2: 32-44.
- Cogan, J.J & R. Derricott (2000). Citizenship for the 21st Century: an International Perspective on Education. Kogan-Page, London.
- Crowther, David and Aras, Guler (2008), corporate social responsibility. Ventus publishing APS.
- Fotopoulos, T. (1997), Towards an Inclusive Democracy, Cassell, London.
- Fromm, E. (2004). The Art of Love (Trans. O.S. Karadana). Izmir, Jlya Publication
- Handy, Rollo (1960) "Determinism, Responsibility, and the Social Setting." Philosophical and Phenomenological Research 20: 469-76.
- Hironimus-Wendt, Robert and Wallace, Lora Ebert (2009) "The Sociological Imagination and Social Responsibility", Teaching Sociology, Vol. 37, No. 1, Special Issue on 50 years of C. Wright Mills and "The Sociological Imagination" (Jan., 2009), pp. 76-88.
- Hassel, Holly and Lourey, Jessica (2005) The Dea(r)th of Student Responsibility. College Teaching, Vol. 53, No. 1 (winter, 2005), pp. 2-13.
- Kakabadse, Andrew And Kalu N.(2009). Citizenship A Reality Far From Ideal, Cranfield University, UK And Auburn University, US, published by Palgrave Macmillan palgrave ,New York
- Kraft, Kenneth L. (1991) "The Relative Importance of Social Responsibility in Determining Organizational Effectiveness: Student Responses", Journal of Business Ethics, Vol. 10, No. 3 (Mar. 1991), 179-188.
- Lyons, E.M. (2005). The Effects of a Leadership & Diversity Awareness Program on Adolescents Attitudes & Behaviors. PHD Dissertation, University of South Florida.
- Markman, KD, & Tetlok, PE. (2008) accountability and close call counterfactuals: The loser who nearly won and the winner who, who nearly lost. Personality and Social Psychology Butetin , 26, 1213-1224.
- Martin, D. (2007) "Responsibility: A philosophical perspective", In: G. Dewsbury and J. Dobson (eds.) Responsibility and Dependable Systems, Chapter 2. London: Springer-Verlag.
- McCowan. Tristan (2009). Rethinking citizenship education: a curriculum for participatory democracy, Continuum International Publishing Group, India.
- Mergler, A.; F.M. Spencer & W.A. Patton (2007). "Development of a Measure of Personal Responsibility for Adolescent". Available in <http://eprist.qut.edu.au/>.
- Miller, Seumas (2004). Social Action: A Theological Account, Published By The Press Syndicate Of The University Of Cambridge.

- Mulej و Matjaz; Anita Hrast; Zdenka Zenko (2013) "Social Responsibility" -DOI 10.1007/s11213-013-9297-5. Published online: 19 October 2013. Springer Science+Business Media New York 2013).
- Nakamura, M. & A.M. Watanab-Muraoka (2006). "Global Social Responsibility; Developing a Scale for Senior High School Student in Japan". *International Journal for the Advancement of Counseling*, 28(3): 213.
- Potter, Nelson T. (1972) "The Social and the Causal Concepts of Responsibility", *Southern Journal of Philosophy* 10: 97-99.
- Rodrigo-Gonzalea, Amalia and Caballer-Tarazona, Maria (2015), "A Model to Assess Students' Social Responsibility Behavior Within a Classroom Experiment", *International Review of Economics Education* 18: 62-82.
- Rothenberg Struhl, Paula (1976) "Mill's Notion of Social Responsibility". *Journal of the History of Ideas*, Vol. 37, No. 1 (Jan. - Mar., 1976), pp. 155-162).
- Sartre, J. (1969), *Being and Nothingness*, Methuen, London.
- Schleef, Debra (1997) "Empty Ethics and Reasonable Responsibility: Vocabularies of Motive among Law and Business Students". *Law and Social Inquiry*, Vol. 22, No. 3 (Summer, 1997), 619-650.
- Smart, Barry (2001) "Sociology, Morality and Ethics: On Being With Others", in George Ritzer and Barry Smart, "Handbook of Social Theory", 509-519. Sage Publications.
- Smith, Carole (2002) *The Sequestration of Experience: Rights Talk and Moral Thinking in Modernity*. *Sociology*, Volume 36(1): 43-66.
- Trainer, Ted (2005) "Social responsibility: the most important, and neglected, problem of all?". *International Journal of Social Economics*, Vol. 32 Iss 8 pp. 682 - 703
- Turner.B and Rojek. C. (2001). *Society and Culture: Principles of Scarcity and Solidarity*, Published in association with *Theory, Culture & Society*, Nottingham Trent University SAGE Publications, London.
- Wempe, Johan (2009) "Industry and Chain Responsibilities and Integrative Social Contracts Theory", *Journal of Business Ethics*, Vol. 88, Supplement 4: A Tribute to Thomas W. Dunfee a leader in the Field of Business Ethics, 751-764.